

# بررسی اهمیت شاخص‌های تقلب بالقوه مالی

دکتر محمد رضا نیکبخت

عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

دکتر محمد جواد شیخ

دکتری حسابداری دانشگاه تهران

## چکیده

در این پژوهش اهمیت علایم هشدار دهنده از طریق بررسی دیدگاه‌های مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران از طریق تکنیک تحلیل عاملی و مشخص نمودن تفاوت معنی دار بین دو دیدگاه صورت پذیرفت. نتایج پژوهش نشان دهنده این است که تمامی ۴۲ علامت هشدار دهنده مندرج در پرسش‌نامه بعنوان علامت هشدار دهنده توسط دو گروه شناسایی شده‌اند همچنین با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی به روش اکتشافی مشخص گردید که این علایم از ۵ عامل به ترتیب ریسک پذیری و خطر جویی، ویژگیهای مدیریت، ویژگیهای اقتصادی، بی ثباتی، ناتوانی و ناکافی بودن سود آوری، ویژگیهای ساختاری اشباع شده اند به علاوه نتایج آزمون t مؤید عدم وجود تفاوت معنی دار در اکثر علایم هشدار دهنده است.

واژه های کلیدی: علایم هشدار دهنده<sup>۱</sup>، تقلب<sup>۲</sup>، اشتباه<sup>۳</sup>، ریسک حسابرسی<sup>۴</sup>، تحلیل  
عاملی<sup>۵</sup>

### مقدمه

در چارچوب قراردادهای کارگزاری یکی از طرفین کارفرما و دیگری کارگزار است یکی از این قراردادها، قرارداد بین مالکیت به عنوان صاحبکار و مدیریت به عنوان کارگزار است. علی القاعده کارگزار میبایست حافظ منافع صاحبکار باشد. لیکن در عمل به استناد فرض حداکثر کردن منافع شخصی<sup>۱</sup>، افراد به دنبال حداکثر کردن منافع خود هستند. از آنجاییکه نوعاً بین منافع طرفین قرارداد عدم همسویی (تضاد) وجود دارد، این عدم همسویی منافع مولد انگیزه برای کارگزار در جهت بهینه نمودن منافع خویش است بهینه نمودن منافع کارگزار، در شرایط عدم همسویی منافع، طبعاً میبایستی مصالحاً منافع کارفرما را در برداشته باشد. این بهینه نمودن نوعاً در قالب عدم رعایت مفاد قرارداد بین صاحبکار و کارفرما است.

عدم رعایت قراردادها در شیوه های مختلف قابلیت اعمال داشته و از آنجاییکه عدم رعایت مذکور ماهیتاً می بایستی به صورت عمدی صورت پذیرد، نوع اقدامات انجام شده در این زمینه تحت عنوان "سوء جریانات یا تقلبات" نامیده می شود. موضوع عدم رعایت مفاد قرارداد منجر به زیانهای قابل ملاحظه ای می گردند. پژوهشهای انجام شده و یا آمارهای موجود در این خصوص مبین گستردگی زیانهای وارده است. به منظور حداقل نمودن احتمال انجام اینگونه رخدادها از دو شیوه می توان استفاده نمود.

الف) روشهای تنبیهی: برای استفاده از این روشها بایستی منتظر بود تا اتفاق رخ دهد و متعاقباً در چارچوب قوانین و مقررات موضوعه برخورد نمود.

1 - Red Flag

2 - Fraud

3 - Error

4 - Audit Risk

5 - Factor Analysis

6 - Economic Rationality Assamption

ب) روشهای بازدارنده: در این شیوه شرایط و زمینه‌های مناسب برای سوء ریانات و تقلبات مالی را از طریق شناسایی عوامل زمینه ساز و یا تاثیر گذار بر آنها و جام اقدامات لازم احتمال رخداد را کاهش داد. از آنجاییکه روشهای تنبیهی تنها پس از خداد میتواند انجام شود. لذا بنگاه‌ها متحمل زیان شده و در اغلب موارد زیان تحمیل ده قابل برگشت نیست. لذا به طور منطقی می توان استدلال نمود که روشهای بازدارنده جح است. یکی از شروط لازم به منظور اعمال اقدامات بازدارنده، شناسایی گذشته واملی است که وجود آنان می توانند زمینه ساز رخداد سوء جریانات یا تقلبات گردد. راین پژوهش چنین عواملی تحت عنوان "عوامل هشدار دهنده"<sup>۱</sup> معرفی می شود. که سطلحاً در ادبیات پرچم‌های قرمز<sup>۲</sup> نیز نام دارد.

اولین هدف این پژوهش، بررسی اهمیت عوامل هشدار دهنده یعنی عواملی که وجود نان در یک بنگاه زمینه ساز رخداد سوء جریانات و تقلبات خواهد بود. بررسی عوامل مذکور از طریق بررسی دیدگاه‌های مدیران مالی بنگاه‌های تجاری و حساب‌رسان مستقل انجام خواهد گردید و سپس تفاوت‌های معنا دار بین دیدگاه‌های دو گروه پرسش نوندگان شناسایی خواهد شد.

پس از مشخص شدن علایم هشدار دهنده سوالی که ممکن است مطرح گردد این است که درجه اهمیت این علایم نسبت به یکدیگر چیست و ضرایب حاکی از اهمیت نسبی آنها کدام است که حدود ایجاد خطر در ذهن حساب‌رسان تصور شود. در پاسخ به این سوال سعی شده است با استفاده از روش تجزیه و تحلیل عاملی میزان اهمیت هر یک از علایم هشداردهنده نسبت به سایر عوامل با اجماع نظر حساب‌رسان مستقل و مدیران مالی سنجیده نده ضرایب اهمیت بین این عوامل ارایه گردد.

## ادبیات پژوهش

### تئوری کارگزاری و به‌کارگیری آن در وقوع تقلب مدیریت

تئوری کارگزاری براساس این نظریه استوارمی باشد که شرکت‌ها در چارچوبی قانونی ر با به خدمت گرفتن پیوندی از مجموعه ارتباط قراردادی بین اشخاص ذینفع

1 - Warning sings

2 - Red Flags

به وجود آمده اند که هریک از اشخاص دارای منافع مشخص خویش بوده که لزوم همسو نیست و مالکیت و مدیریت از یکدیگر جدا است به اعتقاد دستمز و آلشیان<sup>۱</sup>، مک لینگ و جنسن<sup>۲</sup> و فاما<sup>۳</sup> این عدم همسویی زمانی به وجود می آید که یک یا چند مالک برای انجام خدماتی، یک مدیر را به عنوان کارگزار خود انتخاب می کنند و می باید از طرف آنها تصمیم گیری نماید همچون اسپنسر و زیکهاوسر معتقدند در قالب این نظریه می توان بنگاه تجاری را در قالب مجموعه ای از قراردادهای مختلف بین طرفین ذینفع دانست.

از نظر جنسن و مک لینگ، فاما و جنسن، و سیوتر و وگت<sup>۴</sup> علایق فردی هر کس بستگی به تابع مطلوبیت و وضعیت ثروت وی دارد (که احتمالاً مالک و مدیر دارای تابع مطلوبیت و وضعیت ثروت یکسان نیستند) بنا بر این هریک از طرفین به اقداماتی دست خواهند زد که زیان طرف دیگر را در بردارد. آدام اسمیت<sup>۵</sup> معتقد است مدیران شرکت های سهامی منابع مالی بیشتری را نسبت به مردم مدیریت می کنند و نمی توانیم توقع داشته باشیم که آنها از ثروتی که در اختیار دارند با همان دلواپسی مراقبت نمایند که مدیران مالک از آنها مراقبت می کنند. از اینرو با توجه به ترجیحات ریسک و رفتارهای مختلف به وسیله مدیران زمینه برای انجام تقلب از سوی برخی از مدیران وجود دارد. بد اعتقاد مکی<sup>۶</sup> مدیران در صورتی که بخواهند دست به انجام تقلب بزنند به دلیل اینکه در صورت کشف رفتار در شهرت آنان تاثیر منفی خواهد داشت لذا با هزینه های شخصی بالایی روبرو خواهند شد با توجه به تعیین میزان حقوق و مزایای آنان توسط بازار رقابتی نیروی کار متحمل هزینه به میزان کاهش در حقوق و دستمزد می گردند. و بد اعتقاد فاما بازار نیروی کار مدیریت ارایه کننده یک مکانیزم متعادل کننده خارجی در ادار، شرکت ها است.

جنسن و مک لینگ مطرح می کنند در صورتی که کارفرما هزینه های نظارتی دقیق بر روی اعمال کارگزار را بپذیرد احتمال سوء رفتار تقلب آمیز کارگزار و عدم همسویی

- 
- DEMESTZ & ALCHIAN (1972)
  - ۱- JENSEN (1976)، MECKLING
  - ۲- FAMA (1980)
  - ۳- SPANCE & ZECKHAUSER (1971)
  - ۴- SEHOTHER & WUGETT (1992)
  - ۵- ADAM SMITH, (1976)
  - ۶- MACY (1991)

نافع بین طرفین کاهش می‌یابد از بحث فوق چنین استنباط می‌شود که در نتیجه پذیرش هزینه‌های نظارت دقیق، وقوع تقلب مدیریت کم می‌شود لیکن احتمال آن زبیین نمی‌رود (Macy 1991).

در صورتی که قراردادهای بین طرفین با هدف حداقل کردن اختلاف منافع بین کارفرما و کارگزار منعقد گردد این کاهش اختلاف در منافع منجر به ارزشمند بودن قراردادهای منعقد می‌گردد (BEASLY 1989, EISENHARDT 1994). از آنجاییکه سهامداران با فرض دارا بودن یک رتقوی متنوع، دارای ریسک کمتری هستند. بنابراین زمانی هزینه‌های نظارت بر رفتار کارگزاران را تامین می‌کنند که مطلوبیت نهایی ناشی از یک دلار هزینه نظارت برابر با مطلوبیت نهایی بازده ناشی از مالکیت آنها باشد در غیر این صورت وجود نظارت را ترجیح نمی‌دهند (JENSEN & MECKLING 1976).

به استناد تئوری کارگزاری مدیران ممکن است برحسب اینکه بخواهند وضعیت شرکت یا بخش خود را بهتر نشان دهند اقدام به تقلب نمایند. بهر حال این واقعیت که برخی از مدیران شرکت‌ها ترجیح می‌دهند که رفتار تقلب آمیز داشته باشند، پذیرفتنی است. این رفتار ممکن است تحت تاثیر این واقعیت باشد که سهامداران نمی‌توانند تمامی اعمال مدیران را مشاهده کنند. بنابراین مدیران ممکن است ارقام بالایی را صرف بخت و پاش و هزینه‌های خود نمایند یا اعمال فرصت طلبانه‌ای را انجام دهند که ثروت آنها افزایش یافته و متقابلاً ارزش شرکت کاهش یابد. چنین رفتاری معمولاً بیشتر زمانی اتفاق می‌افتد که نظارت بر اعمال مدیران ناکافی باشد. وجود شرایط مقطعی در محیط یک شرکت ممکن است موجب رفتار تقلب آمیز مدیران شود. همچنین شرایط خارجی نیز ممکن است در سازمان موجب رفتار تقلب آمیز گردد.

به صورت خلاصه در چارچوب تئوری کارگزاری در ارتباط با رابطه بین کارفرما و کارگزار از نقطه نظر ریسک بین دو طرف تفاوت وجود دارد. به دلیل اینکه سهامداران بی‌تفاوت در قبال ریسک فرض شده‌اند در صورتی که مدیران نسبت به ریسک و شغل خود برعکس هستند. به علاوه عدم همسویی منافع بین مدیران و سهامداران می‌تواند وجود داشته باشد و به دلیل وجود چنین مطلبی سهامداران بر رفتار مدیران اعمال نظارت می‌کنند. بنابراین می‌توان چنین استنباط نمود که تقلب مدیریت پدیده‌ای است که

کمترا اتفاق می افتد. برخی بینش های ارائه شده توسط تئوری کارگزاری نیز موید همین ادعاست.

رفتار برخی از مدیران که دست به اعمال تقلب آمیز می زنند می تواند به دلیل فشار در رسیدن به نتایج مالی و نشان دادن رو به رشد بودن شرکت و فرضیه منفعت شخصی باشد این عوامل و انگیزه ها ممکن است در شرکت هایی که در آنها تقلب بوجود آمده و شرکت هایی که دارای تقلب بوده اند تفاوت داشته باشد. از این گذشته، رفتار تقلب آمیز مدیران به وسیله یک سیستم نظارتی اثر بخش می تواند تحت تاثیر قرار گیرد و در شکل سیستم نظارتی غیر کارآ، نظر مدیران نسبت به قبول ریسک ممکن است تغییر پیدا کند. به دلیل اینکه با عواقب منفی کمتری روبرو خواهند بود بنابراین آنها را تحت تاثیر قرار می دهد از اینرو یک سیستم نظارتی غیر کارآ انگیزه درگیر شدن در فعالیتهای تقلب آمیز را برای مدیران فراهم می کند (SAKSANA, 1997).

### ۳- پیشینه پژوهشهای انجام شده

در اوایل دهه ۱۹۸۰ در جامعه آمریکا آمار تحریفات صورت های مالی افزایش یافت از طرفی نقش حسابرس در کشف تحریفات صورت های مالی مهمتر از گذشته گردیده و این مشکل به موضوع بحث برانگیزی تبدیل شده بود در پاسخ به بررسی علل تحریف صورت های مالی و تقلب و نقش حسابرس در این خصوص کمیسیون خاصی تحت عنوان کمیسیون ملی رسیدگی به تقلب در گزارش های مالی تشکیل شد که ریاست آن را جیمز تردوی رییس کارگزاران بورس اوراق بهادار بر عهده داشت و از همین رو به کمیسیون تردوی نیز معروف شد.

این کمیسیون تحت نظارت مشترک انجمن حسابداران رسمی آمریکا (AICPA)، انجمن اساتید حسابداری آمریکا (AAA)، انجمن مدیران اجرایی مالی (FEI)، انجمن حسابرسان داخلی (IIA) و انجمن حسابداران (NAA) بود کمیسیون تردوی گزارش نهایی خود را در اکتبر ۱۹۸۷ منتشر نمود. این گزارش در برگیرنده توصیه های تفصیلی به شرح ذیل بود (TREAD WAY, 1987)

۱ - توصیه برای شرکت‌های سهامی عام : کمیسیون خاطر نشان می کند که برای وگیری و کشف تقلبات مالی سیستم کنترل داخلی شرکت نقش اصلی را به عهده دارد و مدیریت است که بایستی شرایط را برای تحقق گزارشگری مالی قابل اتکاء فراهم کند .

۲ - توصیه برای حسابرسان مستقل : حسابرس پس از مدیریت در رتبه دوم ارداشته ولی معذالک برای کشف تقلب مالی نقش حساسی را بر عهده دارد . گزارش شهاد می کند که حسابرس مستقل ، ملزم به کشف تقلبات مالی با اهمیت در صورت بود می باشد .

۳ - توصیه کمیسیون به بورس اوراق بهادار و سایر مراجع قانونی جهت بهبود ررات و قوانین محیطی : این توصیه ها اساساً خواهان افزایش تحریم‌ها و مجازات‌های یسیون اوراق بهادار و قدرت اجرایی متکی بر بهبود مقررات حرفه حسابداری عمومی ت .

۴ - توصیه برای آموزش : کمیسیون خواهان افزایش توجه به اخلاق در متون درس ب و کار و حسابداری شده است . کمیسیون بر این باور بود که اگر پیاده کردن مسایل لاقی و توجه به آن توام با هماهنگی موثر با تلاش‌های حسابرسان مستقل باشد تواند به جلوگیری و کشف تقلبات مالی کمک نماید .

به‌علاوه کمیسیون تردوی علایم هشداردهنده رادرگزارش خویش مشخص وبحث کرد اعلام نمود که ۳۶ درصد دعاوی و پرونده هایی که به وسیله کمیسیون اوراق ادارعلیه حسابرسان و موسسه‌های حسابرسی تشکیل گردیده مبنی بر این است که سابرسان درجریان حسابرسی به این علایم توجه نداشته و آنها را با شک حرفه ای رسی نکرده و یا نادیده گرفته اند بنابراین توجه حسابرسان مستقل به این علایم را مهم شمرد .

برخی از پژوهشهایی که در زمینه علایم هشداردهنده توسط پژوهشگران صورت فته است شامل پژوهش‌هایی است که با استفاده از چک لیست علایم هشدار نده انجام شده است . سورن سون ، گرو و سلتنو<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) قدرت توانایی ۵۷ شاخص ب مدیریت را درخصوص پیش بینی تقلب در ۲۰ نمونه موردبررسی و آزمون قرار دادند.



آلبرچ و رومنی<sup>۱</sup> (۱۹۸۶). طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که لیست علایم هشدار دهند موجود برای شرکت ها نامربوط بوده و برخی از علایم هشداردهنده آن معتبر نیستند آنها یک چک لیست شامل ۸۷ علامت هشداردهنده براساس پژوهش‌های قبلی تهیه رایه نمودند. نتایج پژوهش ایشان حاکی از این مطلب بود که از ۸۷ علامت رایه شده ۳۰ علامت مهم و مربوط بوده و مابقی نامربوط می باشد. همچنین پینکاس (۱۹۸۹) قدرت علایم هشداردهنده را از طریق توزیع پرسش‌نامه به دو گروه مورد بررسی قرارداد به یک گروه لیست علایم هشداردهنده را رایه نمود در حالیکه گروه دیگر حافظه خود استفاده کردند و مشخص گردید که علایم هشدار دهند راهنمایی بیشتر برای ارزیابی موثرتر ریسک تقلب نیست به دلیل اینکه کسانی که از لیست علایم هشداردهنده برای پاسخ خود استفاده نکرده بودند درست حدس زده بودند.

همچنین گیل<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) در پژوهش خود به بررسی کارایی چک لیست علایم هشداردهنده پرداخت. ایشان به یک گروه از شرکت کنندگان چک لیست علایم هشداردهنده برای استفاده جهت برآورد احتمال تقلب دادند و از گروه دیگر خواستند شاخص های تقلب که درحین کار با آنها مواجه می شوند در کار برگ‌های خود یادداشت نمایند. از هر دو گروه خواسته شد که وجودشرایط موردتقلب را که به آنها رایه شده بودشام فرصت، محرک و توانایی ارزیابی نموده و احتمال تقلب را برآورد نمایند. هیچ تفاوتی بین دو گروه در ارزشیابی احتمال تقلب مدیریت که تحت تاثیر استفاده از چک لیست باشد مشاهده نگردید. همچنین با استفاده از داده های ورودی، نتایج بااستفاده از مدل استخرا شد و مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده شد که ارزشیابی ریسک تقلب ارتباط ضعیفی نتایج خروجی به وسیله مدل دارد.

آخرین پژوهش دراین زمینه مربوط به هاکنبرگ<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) بوده که ریسک تقلب درگزارشگری صورتهای مالی را در ارتباط باعلایم هشداردهنده خاص موردبررسی قرارداد نتایج پژوهش ایشان مشخص کرد که حسابرسان باتوجه به تجربه‌های خو



ریشه‌های متفاوتی نسبت به میزان ریسک تعیین شده به‌وسیله شاخص‌های مشخص ایم هشداردهنده داشته اند .

به‌طورکلی پژوهش‌هایی که در بالا ذکر شد به‌وسیله چک لیست انجام شده بودند ارای ضعف‌های ذیل بودند : اول اینکه هیچ‌گونه راهنمایی برای ترکیب ایم هشداردهنده و وزن آنها در یک مدل ارزشیابی کلی ارایه نشده است، دوم چک لیست برای مواردی که حساب‌رسان می بایستی با دخالت مسمیات استراتژیک اتخاذ نمایند آزمون نشده است ( KAHNEMAN , 197 AND TVERSKY ) و نهایتاً اینکه منافع حاصل از چک لیست پس از کمک حساب‌رس جهت مشخص کردن علایم هشداردهنده از بین می رود ( EIJNING , 199 JONES AND HOBBECKE ) .

برخی از پژوهش‌ها به دنبال بدست آوردن یک مدل آماری برای کشف تقلب بودند که وهش لوبیک و ویلینگهام اولین آنها در این خصوص بود . آنان در سال ۱۹۸۸ برای سستین بار چارچوبی را در قالب یک مدل راهنما برای کشف تقلب مدیریت ارایه نمودند که ده‌ها توسط لوبیک و سایرین در سال ۱۹۸۹ بسط داده شد .

لوبیک و ویلینگهام مدلی را برای بررسی تحلیلی جهت کشف احتمال تقلب مدیریت ایه نمودند . در مدل آنها فرآیند تصمیم‌گیری و ارزیابی احتمال وجود تقلب مدیریت به جزء شرایط ، انگیزه و گرایش تقسیم شد . بر اساس این مدل تقلب مدیریت زمانی رخ می دهد که شرایط برای تقلب به‌وجود آید و مدیریت انگیزه و بینش این کار را داشته شد . این مدل می تواند به صورت ذیل بیان شود :

$$P(MI) = F(C,M,A)$$

= احتمال

= تخلفات با اهمیت

(شرایط) = درجه ای است که در آن شرایط یک تقلب مدیریت می تواند رخ دهد

آ (انگیزه) = درجه ای است که شخص یا اشخاص در موقعیتها و مسئولیت‌های شغلی

زم در یک واحد تجاری انگیزه برای انجام تقلب مدیریت دارند

. (گرایش) = درجه ای است که شخص یا اشخاص در موقعیتها و مسئولیت‌های شغلی

زم در یک واحد تجاری گرایش و یا مجموعه ای از اخلاقیات دارند که به آنها اجازه

دهد تقلب مدیریت را انجام دهند

در این مدل یک حقیقت مهم وجود دارد. زمانی که هر سه جزء به طور همزمان وجود داشته باشد به احتمال خیلی زیاد تقلب مدیریت به وقوع می پیوندد و در شرایطی که یک جزء وجود نداشته باشد احتمال کمی از تقلب مدیریت وجود دارد.

لوبیک و سایرین<sup>۱</sup> (1989) بیان می کنند که " برای وقوع تقلب مدیریت می بایست:

- ۱- شرایط واحد تجاری طوری باشد که بتوان یک تقلب مهم مدیریت را به انجام رساند.
- ۲- شخص یا اشخاصی باشند که انگیزه ها یا دلایل انجام تقلب را داشته باشند.
- ۳- شخص یا اشخاصی باشند که از نظر شخصیتی اجازه داشته باشند که دست به اقدامات ضد اخلاقی و تقلب بزنند.

چنانچه این سه شرط وجود داشته باشد به احتمال قریب به یقین تقلب مدیریت ر داده و یا در آینده رخ خواهد داد. در صورتی که هر یک از عوامل فوق در یک محیا وجود نداشته باشد احتمال رخ دادن تقلب مدیریت در گذشته و آینده ضعیف می گردد. مدل لوبیک و ویلینگهام ارایه یافته های قبلی آنها می باشد. آلبرتینی و رومنی به صورت ذیل اظهارنظر کرده اند. مدیران درگیر تقلب می شوند زیرا:

- ۱- در موقعیتی قرار دارند که با فشارهای بالایی روبرو هستند.
- ۲- آنها با موقعیتهای جذاب برای انجام تقلب روبرو هستند. در قبال اقدامات غیرقانونی خودپنهان کاری نمی کنند یا تنبیه نمی شوند.
- ۳- تعداد کارکنان یکدست و با صداقت آنها کم است.

زمانی که یک فرد دست به تقلب می زند سه نیرو وجود دارد که با یکدیگر در تعام هستند.

مدل شامل مراحل زیر می باشد:

- ۱- جستجو در مورد وجود علایم تقلب
- ۲- به دست آوردن وزن علایم هشداردهنده به صورت انفرادی در اجزاء مدل یعنی فرصت، انگیزه و توانایی در انجام تقلب اثر می گذارد.
- ۳- ترکیب ارزیابی های انفرادی انجام شده در سه جزء یاد شده به منظور فراهم نمودن یک ارزیابی کلی از احتمال وجود تقلب مدیریت با اهمیت مدیریت نتایج لوبیک و ویلینگهام در برگیرنده لیستی از علایم هشدار دهنده جدید بود. ۲۲ علامت که در استاندارد ۳

شנהاد شده بود تغییر یافته و ۹ علامت به آن اضافه شد نویسندگان اضافه کردن آنها را لیست بسیار مهم می دانستند. در این فرآیند علایم مطرح شده به دو بخش علایم لیه و ثانویه تقسیم شده بودند که آنها را در ۷۱ مورد منتشره<sup>۱</sup> (AAERS) توسط سیسیون بورس اوراق بهادار (SEC) که به نظر می آید شامل تقلب مدیریت باشند مشاهده کرده بودند. نهایتاً نویسندگان نمونه ای شامل ۵۱ مورد در برگیرنده اطلاعات فی برای آزمون مدل را انتخاب کردند نتایج نشان داد که ۲۶ مورد از ۵۱ مورد (۷۱٪) رای هر سه عامل شرایط، انگیزه و گرایش بودند. ۱۲ مورد از ۵۱ مورد دارای دو مل بودند و ۲ نمونه (۴٪) دارای یکی از عوامل بودند و تنها یک مورد دارای هیچیک از ه عامل نبود. نتایج مذکور نشان داد که مدل آنها دارای قدرت توضیح دهنده برای ش بینی تقلب مدیریت در آینده است.

لوبیک و سایرین (۱۹۸۹) از شرکای شرکت بیت مارویک (KMPG) نیز از ۱۶۵ نفر از ۲۱ نفر شرکا شرکت کننده در پژوهش خود پاسخ مثبت دریافت نمودند. نتیجه پژوهش شان ارایه یک لیست با جزئیات بیشتر نسبت به لوبیک و ویلینگهام بود. آنها ۳۶ علامت ندادار دهنده در سه عامل محیط، انگیزش و گرایش به دست آوردند.

آنان به جای استفاده از موردهای منتشرشده توسط SEC از ۷۷ مورد واقعی ذکر ده توسط شرکاء شرکت کننده در پژوهش را مورد استفاده قرار دادند.

این مورد برای اعتبار بخشی به مدل ارزیابی لوبیک و ویلینگهام استفاده شد. مترین نتیجه ای که لوبیک و سایرین (۱۹۸۹) گرفتند این بود که در ۸۶٪ نمونه های تقلب اقل یک عامل از سه عامل وجود داشت. این نتیجه به صورت قوی پیشنهاد می کرد که سه عامل شاخصهای مهمی برای تقلب مدیریت بودند. نتایج آزمون این مدلها در عیط تجربی موفقیت آمیز نبود. این عدم موفقیت به دلیل وجود شواهد ارایه شده به عیله پژوهشهایی بود که نتوانست نشان دهد که تفاوتی بین توانایی پیش بینی ساپرسیانی که از علایم هشدار دهنده استفاده کرده اند و کسانی که از این علایم استفاده رده اند وجود دارد (BOASTMAN, MOECKEL AND PEI 1994)، (EASIDY AND GIL) بی تفاوتی در نتایج ناشی از ضعف در تعریف و پاسخ بوده به شرح زیر است:

اول، علایم هشدار دهنده به صورت باثباتی تعریف نشده اند. دوم، یک گر، نامناسب از پاسخ دهندگان به ساخت مدل کمک کرده اند. به دلیل اینکه علایم هشداردهنده مرتبط با دوره زمانی و فرآیند حسابرسی می باشد که مدیر در گیر آن بوده است بنابراین می تواند نسبت به شریک پاسخ مناسب تری ارائه نماید. سوم، در اینجا برا متغیرهای مورد نظر یک تئوری ارائه نشده است.

والس<sup>۱</sup> و پینکاس از پژوهشگران خواستند که عوامل را بر اساس تئوریه‌ها توسعه بده که واقعاً ایده خوبی را ارائه نمودند. بعد از منتشر شدن استانداردهای شماره ۸۲ و ۱، برخی از پژوهشگران به بررسی علایم هشداردهنده ارائه شده در استانداردهای مذکور پرداختند که پژوهشهای مهم صورت گرفته از سال ۱۹۹۴ به بعد به صورت خلاص آورده شده است:

**گزارش کوپرز و واتر هاوس:** شرکت کوپرز و واتر هاوس که یکی از بزرگترین شرکت‌های حسابرسی و خدمات مالی دنیا می باشد در سال ۲۰۰۲ گزارشی در خصوص عوامل ریشه ای تقلب مالی (۱) که شامل چند بخش است را ارائه نمود. بخش نخست، رابطه با مرور کلی موضوع است در این بخش متذکر شدند که شرکت‌ها به دید شرکت‌های چند ملیتی و واحدهای تجاری جهانی در تمامی انواع خود به صورت مداوم طور وسیعی در معرض ریسک قرار دارند.

در بخشهای بعدی مثالهایی در خصوص دسترسی به مشتریان، دستیابی به سرما و تسلط داشتن شخصی آورده شده است و در بخش بعدی تحت عنوان چه کاری بایست انجام دهیم بیان می کند که متاسفانه نمی توان یک پیشنهاد ساده یا راه حل همه جانبه برای پیشگیری از تقلب ارائه نمود. به هر حال هدف، انگیزه و نوع اعمال تقلب متفاوت است. لذا دلیل کاهش فرصت تقلب مستلزم دقت بیشتری بوده و کار دشواری است.

مطالعات خاطر نشان می سازد که مجموعه کنترل‌های داخلی از ۵ جزء مرتبط با ه شامل: ۱- محیط کنترلی، ۲- ارزشیابی ریسک، ۳- فعالیت‌های کنترلی، ۴- اطلاعات ارتباطات و ۵- نظارت تشکیل شده است. نظارت فقط شامل پرسنل و وظایف آنها نیست بلکه نظارت شامل همه افراد از جمله مدیران عالی و کارکنان دفتر مرکزی می شود نظارت

محققین	موضوع پژوهش	سال	یافته‌ها و نتایج پژوهش
Barbarani	بررسی قضاوت حسابرسان داخلی در ارتباط با اهمیت شاخصهای تقلب بالقوه مالی با روش AHP	۱۹۹۲	ترتیب اهمیت علائم هشداردهنده از دیدگاه حسابرسان داخلی شامل ویژگیهای مدیریت، ویژگیهای شرکت و ویژگیهای صنعت است.
Fanni	نقش بررسیهای تحلیلی برای کشف تحريفات صورتهای مالی	۱۹۹۲	بین ترکیب اعضا هیئت مدیره، کمیته حسابرسی، تغییر حسابرسی در صد سهام اعضای هیئت مدیره، تغییر افراد کلیدی حسابداری، تغییر روشهای حسابداری، کیفیت شرکت حسابرسی کننده رشد سریع فروش، نسبتهای مالی و تحریف صورتهای مالی رابطه وجود دارد.
Easid Gil Boastma Moeke Pe Person	آزمون کارایی مدل لوبیک و ویلینکام و بررسی کارایی لیست علائم هشدار دهنده	۱۹۹۲	تفاوتی بین توانایی پیش بینی حسابرسانی که از علائم هشدار دهنده استفاده کرده و کسانی که استفاده نکرده اند وجود ندارد.
Mcmulle	بررسی عوامل مرتبط با تقلب	۱۹۹۵	شرکت‌هایی که صورتهای مالی را تحریف نموده اند نسبت گردش دارائیهای کمتری دارند و مدیران آنها از دارائیهای برای ایجاد درآمد استفاده می کنند.
Beasl	بررسی نقش اعضا هیئت مدیره و کمیته حسابرسی در کاهش تقلب	۱۹۹۶	هر قدر شرکت‌های حسابرسی که شرکت را حسابرسی می کنند بزرگتر و معتبرتر باشند میزان تقلب کمتر است و شرکت‌های جدید التاسیس میزان تقلب بیشتری نسبت به شرکت‌های قدیمی دارند و سودآوری شرکت با میزان تقلب رابطه دارد.
Decho	بررسی نقش اعضا هیئت مدیره و کمیته حسابرسی در کاهش تقلب	۱۹۹۶	تعداد اعضای هیئت مدیره غیر موظف در ترکیب هیئت مدیره شرکت‌هایی که در آنها تقلب رخ داده نسبت به شرکت‌های دیگر تعداد کمتر بوده اند، اندازه شرکت‌های حسابرسی کننده با میزان تقلب در شرکت‌های صاحب‌کار رابطه دارد و سودآوری شرکت و تعداد سالهایی که شرکت تاسیس شده از متغیرهای مهم پیش بینی تقلب است.
Strawse	بررسی میزان قابلیت اختلاس دارائیه	۱۹۹۷	اعضای غیر موظف هیئت مدیره نقش به سزایی در کاهش تقلب دارند، اندازه شرکت‌های حسابرسی با میزان تقلب در شرکت‌های صاحب‌کار رابطه منفی دارد و اهرم مالی شرکت و دیگران یکی از متغیرهای مدل پیش بینی تقلب است.
Summer Sweene	بررسی رابطه بین تغییر حسابرسی و تقلب مدیریت	۱۹۹۸	دارائیهای جاری مثل وجه نقد و موجودی کالا بیشتر از سایر دارائیها در معرض اختلاس هستند.
Blue Ribbo	بررسی نقش اعضا هیئت مدیره و کمیته حسابرسی در کاهش تقلب	۱۹۹۹	مدیران ممکن است به دلیل کاهش احتمال کشف تقلب توسط حسابرسی نسبت به استخدام حسابرسی جدید اقدام نمایند.
Bel Carcell	بررسی برخی از عوامل مهم در پیش بینی تقلب	۲۰۰۰	توصیه شده برای بهبودی اثر بخشی کمیته حسابرسی از اعضای هیئت مدیره غیر موظف استفاده شود.
MOSTAF	اختلاس دارائیه، آزمون استاندارد حسابرسی شماره ۸۲ (فاکتورهای ریسک)	۲۰۰۲	۱- تغییر مدیریت و رشد سریع غیر معمول از عوامل مهم در مدل پیش بینی تقلب است.
Che	مشخصات گزارشگری مالی تحریف شده شرکت‌های کامپیوتری	۲۰۰۳	تعداد اعضا غیر موظف هیئت مدیره در کمیته حسابرسی در شرکت‌هایی که در آنها اختلاس دارائیه رخ داده به طور معنی داری کمتر از شرکت‌های بدون تقلب است.
			شرکت‌هایی که در معرض اختلاس دارائیه قرار گرفته اند در دو سال اخیر نسبت به تعویض حسابرسی بیش از سایر شرکت‌های اقدام کرده اند و نرخ رشد بالاتر نسبت به سایر شرکت‌ها داشته اند.
			ویژگیهای مالی افزایش حاشیه سود، بازدهی مجموع دارائیه، کاهش جریانبات نقدی و گردش موجودی کالا مشترک است در شرکت‌های کامپیوتری و غیر کامپیوتری و ویژگیهای مالی سرمایه گذاری در پژوهش و توسعه، مخارج بازاریابی و فروش و جریانبات نقدی آزاد مختص شرکت‌های کامپیوتری است.
			تجزیه و تحلیل رگرسیون قابلیت اتکا، بیشتری از تجزیه و تحلیل شبکه های عصبی در پیش بینی تقلب است.

موفق آمیز و اجتناب از ریسک مستلزم یک سری شناخت پایه ای از موقعیتهای مناسب برای تقلب است که به صورت مکرر مورد پژوهش قرار گرفته اند. برخی از علایق هشداردهنده برای ریسک وجود تقلب به شرح ذیل است:

### ۱- اعضای هیئت مدیره و معاونین مدیر عامل

- ۱-۱- هیچ سیستم کنترلی در زمان تصدی آنان وجود ندارد.
- ۱-۲- زندگی مجلل و غیر متعارف دارند.
- ۱-۳- اعضای هیئت مدیره بر اثر عدم توافق اعضاء با یکدیگر بر روی استراتژیهای شرکت به طور مکرر تغییر می‌کنند.
- ۱-۴- در پاداش اعضای هیئت مدیره، پاداشهای غیر نقدی و طرحهای اختیار حق خرید سهام مکرر تغییر صورت می‌گیرد.
- ۱-۵- سهم مهمی از ثروت آنان به ارزش سهام شرکت وابسته می‌باشد.
- ۱-۶- طرح پاداش هیئت مدیره شرطی و وسوسه آمیز است.
- ۱-۷- برنامه های بازخرید سهام متغیر است.
- ۱-۸- معاملات بین اعضاء هیئت مدیره و شرکت‌هایشان وجود دارد.

### ۲- معاملات و عملیات مالی

- ۲-۱- وقوع معاملات مهم در پایان دوره
- ۲-۲- در معاملات بزرگ و منحصر به فرد
- ۲-۳- جدید، بزرگ و یا غیر متعارف بودن مشتریان
- ۲-۴- موافقتنامه مربوط به جدول زمانی تحویل کالا، انبار، برگشتی، جایگزینی و شرایط اعتباری فروش
- ۲-۵- عدم وجود برنامه ای جهت تجدید نظر در تامین کنندگان مواد اولیه،
- ۲-۶- تبدیل بخشی از هزینه ها تحت عناوین مختلف دارایی نظیر موجودی کالا، پدیدارداخت و یا سایر داراییها،
- ۲-۷- غیر متعارف بودن انحراف بین بودجه و عملکرد به صورت مستمر طی چند سال
- ۲-۸- کنترل‌های ضعیف پرداختها،
- ۲-۹- معاملات عمده با اشخاص وابسته،

### - تکنولوژی اطلاعات و دارائیهای معنوی

- ۲- نفوذ افراد خارجی در سیستمهای اطلاعاتی شرکت
- ۲- اعتماد زیاد به مشاورین
- ۳- تاخیر زیاد در ثبت حسابها در کامپیوتر
- ۳- عدم وجود سیاستها ، رویه ها و مقررات
- ۳- تاخیر و یا عدم توفیق در پیاده سازی سیستمها

### - محیط کنترلی و سیستم

- ۴- فقدان آیین نامه انضباطی در شرکت
- ۴- فقدان سیاستها و رویه های مالی
- ۴- ضعف کنترلهای بودجه ای و پیش بینی
- ۴- نقص و یا به موقع نبودن گزارشات مالی
- ۴- عدم ثبت دفاتر به صورت همزمان ( on line )
- ۴- فقدان مکانیزم گزارشگری هشدار دهنده
- ۴- نبود یا ناقص بودن تعریف حدود اختیارات مالی و سیاستهای تصویب شده

### ۵- سایر موارد

- ۵-۱- عدم ثبت بعضی از معاملات در دفاتر قانونی شرکت
- ۵-۲- فقدان استراتژی مدیریتی برای رشد شرکت
- ۵-۳- عدم توجه به گزارشات حسابرسی داخلی
- ۵-۴- عدم توجه کافی و کامل به تقلبات و تخلفات دوره های قبل
- ۵-۵- تمرکز محدود حسابرسی داخلی
- ۵-۶- وجود حسابهای مغایرت دار شامل حسابهای بانکی ، حسابهای سرمایه گذاری ، حسابهای بین شرکتی و یا مانده های حساب دفتر کل بدون تجزیه و تحلیل



یکی از راهکارهای اصلی در انواع وضعیتهای کسب و کار، معاملات و پرهیز از مسایل مطرح شده فوق ایجاد یک محیط کنترلی مناسب برای کاهش فرصتها و موقعیتهای انجام تقلبات است. یک محیط مناسب نیازمند برخی از الزامات به شرح ذیل میباشد:

۱ - سیستم اعلام خطر مناسب برای رعایت قوانین و مقررات شرکت

۲ - عدم قائل شدن استثنا در قوانین و مقررات

۳ - بررسی دقیق تقلب یا تخلفات به طور مداوم

۴ - مجازات متناسب با جرم

۵ - آیین نامه انضباطی شرکت

در تمامی موقعیتهای تقلب که آنها آزمون کردند برخی یا تمامی الزامات فوق نادید گرفته شده، در برخی دیگر به طور کلی فراموش شده و در تعدادی نیز به طور مناسب به کار گرفته نشده اند. در شرکتهایی که سعی فراوانی در به کارگیری چنین استانداردهایی در عملیات شرکتهای فرعی و کارکنان سرپرستی نموده اند، گزشتیا، فاحشی رخ نداده است. پیام مشخص است "اعتماد، همراه با بررسی و کنترل مستمر" به دلیل اینکه تقلب معمولاً توسط افراد باهوش صورت می پذیرد، از نظر مقاصد کاملاً پنهان است و اغلب به وسیله کارکنانی که به آنها اعتماد می شود صورت می پذیرد لذا پیش بینی و کشف آن مشکل است.

برای پیش بینی و کشف رفتار تقلب آمیز پیشنهاد شده که برای حسابرسان داخلی دوره های آموزشی گذاشته شود. به اعتقاد اکثر افراد حرفه حسابرسان در زمینه کشف تقلب و فن حسابرسی دارای تجربه کم بوده و یا آموزشی در این خصوص ندیده اند اکثر حسابرسان با ابزارها و تکنیکهای قانونی آشنا نیستند. آموزش علایم هشداردهنده عمومی و فرآیندهای شرکت به از بین بردن بی تجربگی مرتبط با تقلب در اکثر کارکنان و حسابرسان داخلی کمک می کند. ثانیاً، زمانی که نیاز یا موقعیت حفظ وضعیت حرفه ای وجود دارد پیشنهاد می شود حداقل موارد حرفه ای ذیل مورد ملاحظه قرار گیرد:

۱ - فقدان مکانیزم های صحیح دامنه بررسی و کنترل را کم می کند، اغلب اشتباهات پس از رخ دادن کشف می شوند. بررسی کامل بعدی به طور ذاتی حقایق را پوشش نمی دهد لذا می بایستی مکانیزم های ذیل را به کار گیریم:

- تعقیب قانونی یا مجازات کردن مجرم متناسب با جرم

- . دفاع قانونی از شرکت
- . حفظ یک روند استقرار و صحیح بدون نوسان
- . ایجاد ذهنیت عمومی برای پیشگیری از تخلفات
- . پوشش مناسب داراییها
- . بازبینی مستمر رویه های قانونی ، سیستمها ، کنترلها و یا پرسنل به منظور کاهش ضعف ها و جلوگیری از وقوع مجدد تقلب
- . برقراری تعامل مناسب بین مجریان قانون و سرمایه گذاران
- . محافظت روسا و مدیران از سوء مدیریت شرکت
- . برقراری اصول و قواعد مناسب برای وفاداری کارکنان ، پوشش دادن و ادعاهای احتمالی
- ۲ - سیاستها ، رویه ها و عملیات اساسی به طور مستقل مرور گردد . این کار ممکن است شامل آزمون مستقل موارد ذیل باشد :
- سیاستها ، رویه ها و اصول حسابداری اساسی و چگونگی عملیاتی کردن اصول مذکور و بستن حسابها
- اصول مهم پذیرفته شده حسابداری که می بایستی برای عملیات تجاری به کار گرفت
- معاملات عمده غیر متعارف یا پیچیده که ممکن است مستلزم دقت بیشتر باشد
- کنترلهای حسابداری کلیدی و رویه های آن ( آنچه که " به عنوان بهترین عمل " با در نظر داشتن بخشنامه ها و مقررات لازم به کار می گیرند )
- کنترل های کلی و ساختاری ( آنچه که برای کاهش ریسک حسابداری مالی و گزارشگری به خدمت گرفته شده است )
- ۳ - دوره حسابرسی مستقل و بررسی آن به صورت چهار ماهه باشد . بررسی حسابرسی توسط حسابرس مستقل دارای ویژگیهای زیر باشد :
- کامل و قابل اتکاء باشد .
- به صورت صحیح برنامه ریزی و سرپرستی شده و به خوبی اجرا شود .
- با هدف توجه به معاملات عمده و مسایل مهم حسابداری باشد .
- یافته ها ، قضاوتهای حسابرسی ، نتایج و توصیه های آنان به سرپرستان ، مدیران ، کمیته حسابرسی و هیئت مدیره قابل فهم باشد .

- شامل بررسی تامین کنندگان مواد اولیه قابل قبول و برنامه های مرور تامین کنندگان مواد اولیه باشد .

- پرونده شرکاء تجاری کلیدی و سوابق آنها به روز شود .

- نحوه اجرای آیین نامه انطباطی ، مسئولین اجرایی آیین نامه و اثر بخشی آن بررسی گردد .

۴ - معاملات خاص مانند ادغام و تحصیل شرکت ، سرمایه گذاری اقلیت ، سرمایه گذاری خارجی ، سرمایه گذاری مشترک مورد بررسی قرار گیرد و استخدام مدیران یا اعضاء هیئت مدیره مورد بررسی قرار گیرد . در این وضعیتها یک بررسی ممکن است شامل موارد ذیل باشد :

- سوابق مالی و پرسنلی مدیران اجرایی کلیدی و شرکای تجاری

- مسایل مرتبط با حسابداری و گزارشگری

- سؤال برانگیز بودن عملیات تجاری

- رقابت داخلی واحد تجاری با پرسنل

- قانونی بودن منابع مالی

- معامله با افراد صاحب منصب قانونی

هر یک از این فعالیتها بخشی از برنامه های حرفه ای برای پیشگیری و کشف تقلب است .

در بخش نتیجه گیری بیان شده بود که شناسایی علل ریشه ای و آزمون کردن آنها کاری ساده نیست . بزرگترین مشکلات در عملیتهای عمده اما بدون کنترل رخ می دهد ، اکثر شرکتهایی که بر عملیات شرکتهای فرعی خود کنترل دارند با مشکلات کمتری مواجه هستند . مشکلات عمده با مقامات ارشد شرکتهای و چگونگی انتخاب ایشان و تغییراتشان ارتباط دارد . تاکید می شود رهبران و مدیران الگوی جدید ( مشکلات ریشه ای) را برای ارزشیابی ریسک تجاری بومی سازی نمایند .

در بخش دیگری از گزارش آمده است این واقعیت که مدیران می توانند آسیبهای مالی زیادی به شرکتهای بزنند کاملاً از پژوهشهای اخیر که در رابطه با شرکت های سهامی عام صورت پذیرفته مشهود است . طبق پژوهش چارلز پی کولینان<sup>۱</sup>

استو جی استون<sup>۱</sup> که بر مبنای الزامات حسابداری و حسابرسی منتشره توسط SEC صورت گرفته (AAERS که نشان دهنده انجام تقلب انجام شده و منتشره است) ۷۰/۸ درصد تقلبات به وسیله مدیران اجرایی سطح عالی سازمانها انجام می شود. پژوهش‌های شباهتی به وسیله بیسلی و همکاران<sup>۲</sup> بر روی ۲۰۴ شرکت بر مبنای تقلبات منتشره توسط SEC از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ انجام شد که منجر به نتایج مشابهی گردید نتایج مطالعات آنها نشان داد که مدیران عامل (CEO) یا سایر مدیران اجرایی ارشد در ۷۲ درصد از تقلبات درگیر بوده اند.

#### ۴- پرسشهای پژوهش

اصلی ترین پرسش پژوهش این است که علایم هشدار دهنده از دیدگاه مدیران مالی و حسابرسان مستقل کدامند؟  
آیا جهت رتبه بندی میزان اهمیت علایم هشدار دهنده نسبت به یکدیگر وحدت نظر وجود دارد؟  
آیا بین دیدگاه‌های حسابرسان مستقل و مدیران مالی در خصوص اهمیت علایم هشدار دهنده تقلبات و سوء جریان‌ات تفاوت اساسی وجود دارد؟

#### ۵- جامعه مورد پژوهش و روش نمونه گیری

دو جامعه آماری در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت اول جامعه حسابداران رسمی ایران در شهریور ماه ۱۳۸۲ که شامل ۱۱۵۱ نفر طبق لیست منتشره توسط جامعه و دوم مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران شامل ۳۵۹ نفر مدیر مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. با توجه به اینکه می بایستی حجم نمونه تا حد ممکن معرف جامعه باشد و به علاوه در تحلیل عاملی نیاز به اندازه های نمونه نسبتاً بزرگ است به منظور ایجاد تناسب بین پرسش شونده‌گان تعداد ۲۵۰ نفر مدیر مالی و ۲۵۰ نفر حسابرس مستقل به طور تصادفی انتخاب گردیدند از این تعداد ۴۱۸ پرسش‌نامه برگشت داده شد که شامل ۲۱۰ نفر مدیریت مالی و ۲۰۸ نفر حسابرس مستقل بودند.

1 - Steve G.Stton

2 - Beasley atel

## ۶- روش پژوهش

در برخی پژوهش‌ها، گروه‌های مختلف با اهداف و نیازها یا ارزشهای متفاوت، در رابطه با یک موضوع خاص مورد آزمون قرار می‌گیرند. این گونه پژوهش‌ها، پژوهش‌ب استفاده از گروه‌های مختلف پرسش‌شونده نامیده می‌شود. از منافع با اهمیت چنین پژوهش‌هایی، مورد توجه قرار دادن نگرش گروه‌های مختلف و توانایی بررسی و مقایسه نتایج به دست آمده است. در این پژوهش دیدگاه دو گروه حساب‌برسان مستقل و مدیران مالی از طریق پرسش‌نامه مورد پیمایش قرار گرفت. علت استفاده از پرسش‌نامه در پژوهش این است که نسبت به روش مصاحبه اطلاعات جمع‌آوری شده از هر گونه تاثیر محیطی همانند سوگیری به دور بوده و از اعتبار بیشتری برخوردار است. ضمن اینکه طرح سوالات از طریق پرسش‌نامه موجب می‌شود پاسخ‌دهندگان زمان بیشتری برای فکر کردن در مورد پاسخها داشته باشند.

قبل از تهیه پرسش‌نامه به منظور دستیابی به یک لیست علایم هشداردهنده با استفاده از متون و ادبیات حسابرسی، استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی و پژوهش‌های انجام شده توسط پژوهشگران قبلی در این خصوص و با لحاظ داشتن شرایط محیطی ایران ابتدا لیستی از علایم تهیه شد و سپس اعتبار عوامل مذکور از طریق مصاحبه با متخصصان، مدیران بنگاه‌های تجاری، اساتید دانشگاه در حوزه های مربوطه، حساب‌برسان مستقل، حساب‌برسان داخلی و ... ) و پس از تایید توسط استاد راهنما پرسش‌نامه مقدماتی در خصوص تعیین اهمیت هر یک از عوامل از دیدگاه مدیران مالی و حساب‌برسان مستقل به منظور انجام آزمون محتوایی تهیه شده و به صورت محدود بین متخصصین توزیع گردید. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه های مقدماتی به منظور رفع ابهامات و یا نواقصی بالقوه پرسش‌نامه، آزمون مقدماتی<sup>۱</sup> گردید در این مرحله از متخصصین خواسته شد ضمن پاسخ به سوالات، نظریات و توصیه های خود را ارایه نمایند. بر اساس اطلاعات دریافتی از این مرحله پرسش‌نامه مقدماتی، پرسش‌نامه نهایی تهیه گردید. پرسش‌نامه نهایی متشکل از دو بخش بود: بخش اول شامل اطلاعات عمومی (جمعیت‌شناسی) و بخش دوم شامل ۵۰ سوال بود که ۴۲ سوال علایم هشداردهنده بودند و ۸ سوال دروغ سنج بودند. برای برآورد ضرایب اعتبار ابزار پژوهش از روش

مول کلی کرونباخ استفاده شد این ضرایب برای دو گروه مدیران مالی و حساب‌برسان مستقل و کل نمونه در مرحله قبل از اجرای روش تحلیل عاملی و پس از اجرای آن که ستلزم حذف سوال شماره ۱۰ بود برآورد گردید این ضرایب پس از حذف سوال ده ای مدیران مالی ۰/۸۸۹ و حساب‌برسان مستقل ۰/۹۲۰ و برای کل نمونه ۰/۹۶۰ بود که نشان دهنده این است که ضرایب اعتبار که بر پایه فرمول کلی کرونباخ برآورد گردیده بسیار بالاست و ابزار پرورش یافته در مرحله نهایی از هماهنگی کامل برخوردار می‌باشد. ک ابزار اندازه گیری بایستی از سه نوع روایی محتوا، روایی سازه و روایی همزمان برخوردار باشد. تجزیه و تحلیل روایی محتوا معمولاً بر پایه تئوریهای موجود و توسط تخصصان، کارشناسان موضوعی و صاحب‌نظران صورت می‌گیرد به همین دلیل پرسش‌نامه مقدماتی بین تعدادی از متخصصان و صاحب‌نظران توزیع و به صورت تئوری برآورد شد و توصیه های ایشان در پرسش‌نامه نهایی لحاظ گردید. همچنین برای روایی سازه نیز از مهمترین روش رواسازی یعنی تحلیل عاملی مواد پرسش‌نامه استفاده شد و این طریق معلوم گردید که مجموعه پرسش‌نامه های تهیه شده از ۵ عامل اشباع شده است و هم اینکه با استفاده از آزمون t دیدگاه‌های حساب‌برسان مستقل و مدیران مالی در رابطه با شناسایی عوامل هشدار دهنده مورد آزمون قرار گرفت. نتیجه، نشانگر این مطلب بود که در سطح معنی دار ۵٪ تفاوت معنی دار بین نظریات دو گروه وجود ندارد. برای شخص کردن ترتیب اولویت علایم هشداردهنده از دیدگاه حساب‌برسان و مدیران مالی ای هر سوال میانگین پاسخ های داده شده، انحراف استاندارد، همبستگی بین هر سوال مجموع سوالات و همچنین اثر هر سوال در آلفای کرونباخ محاسبه گردید. پس از استخراج نتایج پرسش‌نامه از تکنیک تحلیل عاملی به روش اکتشافی استفاده شد و با توجه به اینکه عاملها از یکدیگر مستقل بودند به روش چرخشی متعامد عاملها چرخش یافتند.

#### ۷- یافته های پژوهش و تجزیه و تحلیل آنها

از آن جایی که تمامی میانگین های مربوط به سوالات از دید حساب‌برسان مستقل و مدیران مالی دارای میانگین بالاتر از ۲/۲ بود لذا تمامی سوالات به استثناء سوالات دروغ پنج شامل ۴۲ سوال به‌عنوان علایم هشداردهنده شناسایی شدند سپس اولویت بندی آنها بر اساس میانگینهای استخراج شده از دیدگاه حساب‌برسان مستقل و مدیران مالی بر اساس



پاسخهای ایشان انجام شد همانگونه که از (جدول ۱) و آزمونهای t انجام شده برای ۰ سوال پرسش‌نامه (جدول ۲) مشخص می‌باشد اولویت اول هر دو گروه سوال ۱ می‌باشد لیکن در خصوص اولویت دوم حسابرسان مستقل سوال "تصمیم‌گیریها: متمرکز عملیاتی و مالی مدیریت تحت نفوذ یک فرد" را انتخاب نموده اند در حالی که اولویت دوم از دیدگاه مدیران مالی سوال "وجود معاملات مبهم و یا مانده حسابها: نامشخص" را انتخاب نموده اند. این تفاوت بدین دلیل است که حسابرسان مستقل موضوع یک بررسی کننده برون سازمانی به وضعیت شرکت نگاه می‌کنند بنابراین تصمیم‌گیری متمرکز مالی و عملیاتی برایشان مهمتر است لیکن مدیران مالی با توجه به اینکه در درون سازمان هستند وجود معاملات مبهم برایشان مهم تر از تصمیم‌گیری متمرکز مالی و عملیاتی است. در مورد سوال ۶ "بی تجربگی مدیریت" از دیدگاه مدیران مالی با توجه به درک بیشتر ایشان از بی تجربگی مدیران و موثر بودن آن در تقبل اهمیت بیشتری نسبت به حسابرسان مستقل دارد به همین دلیل در اولویت پنجم قرار داده اند در مورد سؤال ۸ "وابستگی زیاد پاداش مدیریت به سود حسابداری" از دیدگاه حسابرسان مستقل اهمیت بیشتری نسبت به مدیران مالی دارد که به دلیل این است که مدیران مالی اطلاع دارند که طبق فرمولهای رایج محاسبه پاداش اعضای هیئت مدیره یک از پارامترهای اصلی توسط مجامع سود حسابداری است بنابراین حساسیت کمتر نسبت به حسابرسان مستقل به این سوال دارند و به همین دلیل سوال ۳۳ که "تاکید بیش از اندازه به دستیابی به اهداف کمی که رسیدن به آنها موجب پرداخت مبالغ عمده به عنوان پاداش مدیریت می‌شود" را نیز اولویت بیست و دوم قرار داده اند در حالی که دیدگاه حسابرسان مستقل اولویت شانزدهم است. در مورد سوال ۴۰ "تکرار نو معاملات که حسابرسی آنها مشکل باشد بر مانده حسابها و یا طبقه بندی آنها تاثیر می‌گذارد" از دیدگاه حسابرسان مستقل با توجه به حرفه خودشان اعتقادی به مشکل بودن حسابرسی معاملات ندارند به همین دلیل اولویت کمتری به این سوال داده اند. در مورد سوال ۳۴ "بی تجربگی و اهمال در وظایف پرسنل حسابداری و سرپرستان ایشا که مسئول برآورد و پیش بینی هستند" مدیران مالی با توجه به اینکه در مورد برآورد پیش بینی نقش بررسی خودشان و مدیران عالی شرکت را پس از انجام برآورد می‌دانند لذا اولویت کمتری به این سوال اختصاص داده اند و بالعکس در مورد سؤال ۴۱



نداشتن شناخت و آگاهی و توان تشخیص مسئولان در تعیین مانده و یا طبقه بندی سوابقها " به دلیل اینکه معمولاً پس از تشخیص مسئولان کنترل دقیقی از سوی ایشان صورت نمی‌پذیرد و یا مدیران عالی روی این موضوع بررسی نمی‌کنند دارای اولویت بیشتری از نظر مدیران مالی است. در ارتباط با سوال ۳۶ " وجود شرایط بحرانی که به لور ثابت در حوزه عملیات یا حسابرسی به وجود می‌آید " به دلیل اینکه مدیران مالی معمولاً در این شرایط قرار گرفته و آن را تجربه کرده‌اند، لذا درک و احساس بیشتری نسبت به این شرایط دارند. بنابراین اولویت بیشتری به این سوال داده‌اند. در مورد مابقی سوالات به لحاظ اولویت بندی، تفاوت زیادی مشاهده نمی‌گردد. همچنین از دید هر دو گروه کم اهمیت ترین سوالات به ترتیب سوال ۴۷ " ترکیب موظف و غیر موظف هیئت مدیره " اولویت چهل و دوم ( آخر ) و سوال ۴۵ " کمیت و بزرگی اقلامی که مانده یا طبقه بندی حساب را تشکیل می‌دهد " اولویت چهل و یکم ( ماقبل آخر ) و سوال ۴۸ ' دولتی بودن یا عمومی بودن مالکیت واحد تجاری " اولویت چهل است. برای مشخص کردن وجود تفاوت بین دو گروه مدیران مالی و حساب‌برسان مستقل از آزمون ۱ استفاده شد. نتیجه آزمون ۱ برای مجموع سوالات نشان دهنده عدم وجود تفاوت معنی دار بین دو گروه است. همچنین نتیجه آزمون ۱ نشان دهنده وجود تفاوت معنی دار در عامل سوم " عامل اقتصادی " بین دو گروه است و در مابقی عوامل تفاوت معنی دار بین دو گروه وجود ندارد. در واقع می‌توان گفت بیشتر تفاوت‌های بین دو گروه توسط عامل سوم تبیین می‌شود البته در عامل چهارم نیز تفاوت بین میانگین دو گروه با اهمیت است لیکن ز نظر آماری معنی دار نیست. در عامل سوم که شامل علایم هشداردهنده مربوط به " عوامل اقتصادی " است میانگین مربوط به مدیران مالی بیشتر از حساب‌برسان مستقل است و دلیل این امر اشتغال به کار مدیران مالی در درون سازمانها و حساسیت بیشتر و درک عمیق تر آنها از مسایل مربوط به حسابداری است که شامل مجاز بودن شرکت در شناسایی درآمدها و هزینه‌ها به روشهای متفاوت، وجود معاملات مجبم و یا مانند حسابهای نامشخص که حسابرسی آنها مشکل است، وجود معاملات غیر عادی اشخاص وابسته، فقدان و یا حذف کنترل‌های داخلی و وجود گزارش مردود و یا عدم اظهار نظر و مسایل مدیریتی شامل تصمیم‌گیریهای متمرکز عملیاتی و مالی مدیریت تحت نفوذ یک نفر، اداره شرکت به صورت غیر متمرکز ولی بدون نظارت و مجاز بودن مدیریت به فروش

بخشی از محصول به قیمت‌های تثبیت شده و بخشی به قیمت آزاد که مرتبط با عملکرد مدیریت عالی شرکت بوده و ایشان در این زمینه تجربه بیشتر دارند. همچنین برای مشخص نمودن تفاوت معنی دار بین دو گروه پرسش شونده برای تمامی ۵۰ سؤال مندرج در پرسش‌نامه از آزمون  $t$  استفاده شد. نتایج نشان دهنده این است که دو گروه د سوالات شماره ۴۶ و ۴۵، ۴۰، ۳۶، ۳۴، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۱۹، ۱۷، ۱۶، ۱۳ دارای تفاوت معنی دار هستند از این سوالات برخی از سوالات شامل سوال ۱۷، ۲۴ و ۲۵ سوالات دروغ یاب پرسش‌نامه هستند در مورد بقیه سوالات نیز عامل تفاوتها در قسمت بالا توضیح داده شد. به طو کلی سوالات برای مدیران مالی مهم تر از حساب‌رسان مستقل است. مشخصه‌های آماره اولیه که با اجرای تحلیل مولفه‌های اصلی به دست آمد نشان داد که ارزش ویژه ۱۱ عاملاً بزرگتر از یک است چنانچه بر پایه نتایج حاصل از ۱) مفروضات تحلیل عاملی ۲) توجه به درصد تبیین واریانس ۳) تثبیت نمودار SCREE که از عامل پنجم شروع می‌شود تعداد ۵ عامل استخراج گردید که ۴۴/۶ درصد کل واریانس را تبیین می‌کنند عامل یکم به ارزش ویژه ۹/۳۵، ۵۰ درصد از واریانس مشترک بین مواد پرسش‌نامه را تبیین می‌کرد نتایج حاصل از چرخش متعامد به مقدار ۸ تکرار ماتریس ساختار حاصل شد. بر پایه ماتریس ساختار عاملها مجموعه پرسش‌هایی که مشترکاً با یک عامل همبسته بودند به ترتیب بیشترین بارعاملی به شرح ذیل استخراج و نامگذاری گردید:

عامل یکم: ریسک‌پذیری و خطر جویی

عامل دوم: ویژگیهای مدیریت

عامل سوم: ویژگیهای اقتصادی

عامل چهارم: بی‌ثباتی، ناتوانی و ناکافی بودن سودآوری

عامل پنجم: ویژگیهای ساختاری

شماره سؤال

مل یکم : ریسک پذیری و خطر جویی

- ۴۴ - نداشتن شناخت و آگاهی و توان تشخیص مسئولان در تعیین مانده و یا طبقه بندی حسابها
- ۳۹ - وجود احتمال خطر در مانده حساب خاص و یا برخی از معاملات
- ۳۸ - قابل تفسیر بودن طبقه بندی حسابها و ماهیت آنها و اختلاف درباره آنها
- ۴۳ - عدم صلاحیت و تجربه کارمندان داده پرداز که عمل آنها در مانده یا طبقه بندی حسابها تاثیر دارد
- ۳۶ - وجود شرایط بحرانی که به طور ثابت در حوزه عملیات یا حسابداری به وجود می آید
- ۳۵ - وجود پیش بینی ها و برآوردهای غیر منطقی و غیر مسئولانه
- ۴۵ - کمیت و بزرگی اقلامی که مانده یا طبقه بندی حساب را تشکیل می دهد
- ۴۶ - پیچیدگی محاسبات در تعیین مانده حساب یا طبقه بندی حساب
- ۳۷ - عدم وجود کنترل بر عملیات کامپیوتر به طوریکه بر ثبت یا حذف دارائنها ، تاخیر در ثبت و ثبت بایه‌های عمده کنترلی وجود نداشته باشد
- ۴۰ -۱. تکرار نوع معاملاتیکه حسابرسی آنها مشکل بوده و بر مانده حسابها یا طبقه بندی آنها تاثیر می‌گذارد

مل دوم : ویژگیهای مدیریتی

- ۸ - وابستگی زیاد پاداش مدیریت به سود حسابداری
  - ۳ - تعصب و بافشاری مدیریت در تحقق درآمد بیش بینی شده
  - ۷ - ترس مدیریت از برکناری از سمت خود به واسطه عملکرد ضعیف خود
  - ۹ - فشار مدیریت بر حسابرس جهت تحمیل زمان غیر منطقی و یا قیمت نامناسب
  - ۴ - برخورد پرخاشگرانه و نابجای مدیریت نسبت به گزارشات مالی
  - ۳۲ - بحث و مشاجره مکرر مدیریت در ارتباط با به کارگیری روشهای حسابداری که موجب ازدیاد درآمد سسه می شود
  - ۵ - ضعیف بودن شهرت مدیریت در محافل تجاری
  - ۳۳ - تاکید بیش از اندازه بر دستیابی به اهداف کمی که رسیدن به آنها موجب پرداخت مبالغ عمده به عنوان یش مدیریت می شود
  - ۲ - جابجایی و نقل وانتقال مدیران و کارکنان کلیدی حسابداری
  - ۱۱ -۲- رفتار غیر منطقی مدیران کلیدی
- مل سوم : ویژگیهای اقتصادی
- ۲۸ - مجاز بودن شرکت در شناسایی درآمدها و هزینه ها به روشهای متفاوت

- ۲۹-۳-۲ وجود معاملات مبهم و یا مانده حسابهای نامشخص که حسابرسی آنها مشکل است
- ۳۰-۳-۳ وجود معاملات غیر عادی در ارتباط با اشخاص وابسته که خارج از جریان عادی کار موسسه است
- ۲۲-۳-۴ مجاز بودن مدیریت به فروش بخشی از محصول به قیمتهای تثبیت شده و بخشی به قیمت آزاد
- ۱۸-۳-۵ اداره شرکت به صورت غیر متمرکز ولی بدون نظارت
- ۴۱-۳-۶ فقدان و یا ضعیف بودن کنترلهای داخلی
- ۳۱-۳-۷ وجود گزارش مردود و یا عدم اظهار نظر حسابرسی سالهای قبل
- ۱-۳-۸ تصمیم گیریهای متمرکز عملیاتی و مالی مدیریت تحت نفوذ یک فرد
- عامل چهارم : بی ثباتی ، ناتوانی و ناکافی بودن سود ( ضعف مدیریت )
- ۱۶-۴-۱ حساسیت عملیات موسسه نسبت به عوامل اقتصادی مانند نرخ بهره ، تورم ، بیکاری و نرخ ارز
- ۱۹-۴-۲ ناتوانی شرکت در بازپرداخت تسهیلات در سررسید
- ۲۱-۴-۳ ناپایداری و ناکافی بودن سود آوری صنعتی که موسسه در آن فعالیت می کند
- ۱۵-۴-۴ بی ثباتی و ناکافی بودن سود آوری موسسه در مقایسه با سایر شرکتهای مشابه در صنعت
- ۲۰-۴-۵ افزایش سریع فروش و سود شرکت در سالهای اخیر
- ۶-۴-۶ بی تجربگی مدیریت
- عامل پنجم : ویژگیهای ساختاری
- ۴۸-۵-۱ دولتی یا عمومی بودن مالکیت واحد تجاری
- ۴۷-۵-۲ ترکیب موظف و غیر موظف اعضا، هیئت مدیره
- ۴۹-۵-۳ نبود حسابرس داخلی در شرکت صاحبکار
- ۲۳-۵-۴ وجود قوانین سختگیرانه
- ۲۷-۵-۵ وجود تضاد منافع بین واحد تجاری و کارکنان آن واحد

بین هیچیک از عاملها با یکدیگر همبستگی وجود نداشت و به بیان دیگر عوامل به گو

کلی مستقل از یکدیگر بودند .

با توجه به اینکه کلیه علایم هشداردهنده شناسایی شده در این پژوهش حاصل اجمع  
 علایم هشداردهنده پژوهشات قبلی و همچنین علایم هشداردهنده ارایه شده توس  
 کمیسیون تردوی در سال ۱۹۸۷ استاندارد حسابرسی شماره ۵۳ و استاندارد حسابرس  
 شماره ۸۲ آمریکا (SASNO 82) سال ۲۰۰۲، استاندارد حسابرسی شماره ۲۴ منتشر

سط هیئت تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی ایران و اظهار نظر متخصصین ساتید دانشگاهی با نتایج انطباق دارد و در مورد اولویت اهمیت علایم هشداردهنده نیز نتایج پژوهش خانم آپستلو که شامل ویژگیهای مدیریت، ویژگیهای شرکت و ویژگیهای نعت به ترتیب اهمیت از دیدگاه حسابرسان داخلی بوده هماهنگی دارد. نتیجه اجماع ر حسابرسان و مدیران مالی در خصوص اولویت بندی علایم هشداردهنده به ترتیب در ول (۳) آورده شده است.

#### ۸ - محدودیت های پژوهش

محدودیت‌های این پژوهش به ترتیب زیر بوده است :

- نارسایی مرتبط با متدلوژی پژوهش در زمینه استفاده از پرسش‌نامه کتبی که بعلت بدودیت‌های ذاتی این ابزار اندازه گیری است .

- عدم پاسخ به برخی از پرسش‌نامه های توزیع شده منجر به این احتمال می گردد که سخ بالقوه پرسش شوندهگان که هرگز به پرسش‌نامه پاسخ ندادند نتایج پژوهش را تحت یر قرار دهد .

- اگر چه نمونه گیری در این پژوهش به صورت تصادفی و با فرض نرمال بودن توزیع انجام گرفته است لیکن برای تعمیم پذیری نتایج پژوهش این احتیاط بایستی در نظر فته شود که تعمیم این علایم برای شرکت‌هایی امکانپذیر است که با ویژگی جامعه و نه انتخاب شده همگن و همتا باشد .

- این پژوهش به بررسی برخی از علایم هشدار دهنده استخراج شده از متون تخصصی با نظر متخصصین داخلی پرداخته است در صورتی‌که می تواند علایم هشدار دهنده گری نیز وجود داشته باشد .

- داده های به دست آمده صرفاً بیان کننده نظرات و برداشتهای افراد نمونه می باشد لذا یج این پژوهش بایستی با لحاظ این مطلب تفسیر و تعمیم داده شود .

- علایم هشدار دهنده با توجه به شرایط محیطی فعلی ایران مورد نظر خواهی و ناسایی قرار گرفتند با تغییر شرایط محیطی این علایم و میزان اهمیت آنها می تواند یر یابد .

## ۹- پیشنهادات برای انجام پژوهشات آتی

در این پژوهش دیدگاه‌های حسابرسان مستقل و مدیران مالی در ارتباط با شناسایی عوامل هشدار دهنده و اولویت بندی آنها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش می‌تواند برای سازمان حسابداری و شرکت‌های حسابرسی بعنوان لیستی از علایم هشدار دهنده که به ترتیب اهمیت اولویت بندی شده اند برای کاهش ریسک حسابداری مو استفاده قرار گیرد. این نتایج می‌تواند برای استفاده مدیران مالی برای توجه به سازمان که در آن مشغول فعالیت هستند و یا می‌خواهند در آن اشتغال پیدا کنند مفید باشد همچنین سازمان بورس اوراق بهادار تهران می‌تواند از این لیست برای ایجاد مکانیزه که بتوان این علایم را در مورد شرکت‌ها ثبت و ضبط نمود و به سرمایه گذاران ارائه و احیاناً برخوردهای مورد لزوم با شرکت صورت داد استفاده نماید. در شرایطی که نتایج این پژوهش به سئوالات متعددی که مطرح شده بود پاسخ داد لیکن موجب گردید که سئوالات جدیدی نیز مطرح شود بدین صورت که موضوعات دیگری برای پژوهشات آتی به شرح ذیل مشخص نمود:

- ۱- بررسی علایم هشداردهنده و اولویت بندی اهمیت آن از دیدگاه حسابرسان داخلی
- ۲- بررسی علایم هشداردهنده از طریق افته به جای پرسش‌نامه
- ۳- استفاده از تکنیکهای آماری دیگر مثل AHP بجای تحلیل عاملی برای مشخص نمودن رتبه بندی اهمیت علایم هشدار دهنده
- ۴- تطبیق علایم هشداردهنده با پرونده های قضایی تقلبات مالی که قبلاً اتفاق افتاده است
- ۵- بررسی کارآیی چک لیست علایم هشداردهنده از طریق اعلام لیست علایم هشداردهنده به یک گروه و عدم اعلام به گروه دیگر و مطالعه نتیجه کشف تقلبات شرکت‌های فرضی
- ۶- تغییر و به روزآوری علایم هشداردهنده و پژوهش مجدد بر روی آنها
- ۷- بررسی ارتباط علایم هشداردهنده با میزان تقلبات مالی

جدول (۱) مقایسه اولویت بندی علائم هشدار دهنده از دیدگاه مدیران مالی و حسابرسان مستقل

شماره سوال	عاملهای هشداردهنده سوء، جریان‌های نقدی و تقلبات			
	حسابرسان مستقل		مدیران مالی	
	اولویت	میانگین	اولویت	میانگین
۱	۲	۳/۷۰	۴	۳/۵۸
۲	۱۲	۳/۲۰	۱۵	۳/۱۱
۳	۱۴	۳/۱۸	۱۹	۳/۰۲
۴	۳۰	۲/۸۱	۳۰	۲/۸۰
۵	۲۹	۲/۸۱	۳۵	۲/۶۹
۶	۹	۳/۲۵	۵	۳/۵
۷	۱۵	۳/۱۱	۱۲	۳/۱۵
۸	۱۰	۳/۲۲	۱۴	۳/۱۳
۹	۲۴	۲/۹۲	۲۸	۲/۸۵
۱۰	۲۸	۲/۸۳	۲۵	۲/۸۷
۱۱	۲۶	۲/۸۹	۳۲	۲/۷۶
۱۵	۲۵	۲/۹۱	۲۹	۲/۸۳
۱۶	۳۵	۲/۶۱	۳۷	۲/۶۵
۱۸	۱۰	۳/۲۲	۸	۳/۳۷
۱۹	۳۹	۲/۴۴	۳۹	۲/۶۳
۲۰	۳۴	۲/۶۶	۳۴	۲/۷۳
۲۱	۳۶	۲/۵۹	۳۸	۲/۶۳
۲۲	۸	۳/۳۰	۹	۳/۳۳
۲۳	۳۸	۲/۲۸	۳۶	۲/۶۸
۲۷	۲۰	۳/۰۱	۱۶	۳/۱۱
۲۸	۷	۳/۲۲	۷	۳/۳۹
۲۹	۳	۳/۶۹	۲	۳/۵۸
۳۰	۳	۳/۶۷	۳	۳/۵۸



ادامه جدول ۱

شماره سوال	عوامل‌های هشداردهنده سوء جریانات نقدی و تقلبات	اولویت بندی علایم هشداردهنده از دیدگاه		
		اولویت	میانگین	حسابرسان مستقل
				مدیران مالی
				میانگین
۳۱	وجود گزارش مردود یا عدم اظهار نظر حسابرس سالهای قبل	۱۳	۳/۱۹	۱۱
۳۲	بحث و مشاجره مکرر مدیریت در ارتباط با بکارگیری روشهای حسابداری که موجب ازبیاد درآمد موسسه می شود	۱۷	۳/۰۷	۲۰
۳۳	تاکید بیش از اندازه بردستیابی به اهداف کمی که رسیدن به آنها موجب پرداخت مبالغ عمده به عنوان پاداش مدیریت می شود	۱۶	۳/۱۰	۲۲
۳۴	بی تجربگی و اهمال در وظایف پرسنل حسابداری و یا سرپرستان ایشان که مسئول برآورد پیشبینی هستند	۱۹	۳/۰۱	۲۶
۳۵	وجود پیش بینی ها و برآوردهای غیرمنطقی و غیر مسئول	۲۱	۳	۱۸
۳۶	وجود شرایط بحرانی که بطور ثابت در حوزه عملیات یا حسابداری بوجود می آید	۳۲	۲/۷۶	۲۳
۳۷	عدم وجود کنترل بر عملیات کامپیوتر بطوریکه بر ثبت یا حذف داراییها . تاخیر در ثبت و اشتباههای عمده کنترلی وجود نداشته باشد	۵	۳/۵۶	۶
۳۸	قابل تفسیر بودن طبقه بندی حسابها و ماهیت آنها و اختلاف درباره آن	۳۳	۲/۷۳	۳۱
۳۹	وجود احتمال خطر در مانده حساب خالص و یابری از معتملات	۱۱	۳/۲۰	۱۳
۴۰	تکرار نوع معاملات که حساسی آنها مشکل باشد بر مانده حسابها و یا طبقه بندی آنها تاثیر می گذارد	۱۸	۳/۰۵	۱۰
۴۱	فقدان و یا ضعیف بودن کنترلهای داخلی	۱	۳/۷۵	۱
۴۲	ماهیت علت و مبلغ اشتباههای قطعی احتمالی که در حسابرسی قبلی نیست به مانده حساب یا طبقه بندی آن کشف شده باشد	۲۲	۲/۹۹	۲۱
۴۳	عدم صلاحیت و تجربه کارمندان داده پرداز که عمل آنها در مانده یا طبقه بندی حسابها تاثیر دارد	۲۷	۲/۸۸	۲۷
۴۴	نداشتن شناخت و آگاهی و توان تشخیص مسئولان در تعیین مانده و یا طبقه بندی حسابها	۳۱	۲/۷۹	۲۳
۴۵	کمیت و بزرگی اقلامی که مانده یا طبقه بندی حساب را تشکیل می دهد	۴۱	۲/۳۸	۳۰
۴۶	پیچیدگی محاسبات در تعیین مانده حساب یا طبقه بندی حساب	۳۷	۲/۵۷	۳۳
۴۷	ترکیب موظف اعضاء هیات مدیره	۲۲	۲/۲۸	۴۲
۴۸	دولتی یا عمومی بودن مالکیت واحد تجاری	۳۰	۲/۴۱	۳۱
۴۹	نبود حسابرسی داخلی در شرکت صاحبکار	۲۳	۲/۹۷	۱۷

جدول (۲) آزمون معنی دار بودن تفاوت دیدگاه حسابرسان و مدیران مالی در خصوص عوامل و مجموع علائم

هشدار دهنده

عامل	اندازه P	معنی دار بودن آزمون
یکم	۰/۹۷	بی معنی
دوم	۰/۱۶	بی معنی
سوم	۰/۰۰	معنی دار
چهارم	۰/۱۵	بی معنی
پنجم	۰/۱۹	بی معنی
مجموع علائم هشدار دهنده	۰/۲۴	بی معنی

جدول (۲) آزمون معنی دار بودن تفاوت دیدگاه حسابرسان و مدیران مالی در خصوص سئوالات

ر سش نامه

شماره سئوال	اندازه P	معنی دار بودن آزمون	شماره سئوال	اندازه P	معنی دار بودن آزمون
۱	۰/۰۰	معنی دار	۲۶	۰/۲۳	بی معنی
۲	۰/۱۳	بی معنی	۲۷	۰/۱۷	بی معنی
۳	۰/۰۲	معنی دار	۲۸	۰/۱۰	بی معنی
۴	۰/۲۵	بی معنی	۲۹	۰/۰۰	معنی دار
۵	۰/۲۱	بی معنی	۳۰	۰/۰۰	معنی دار
۶	۰/۹۹	بی معنی	۳۱	۰/۱۶	بی معنی
۷	۰/۰۳	معنی دار	۳۲	۰/۷۸	بی معنی
۸	۰/۰۸	بی معنی	۳۳	۰/۹۲	بی معنی
۹	۰/۲۶	بی معنی	۳۴	۰/۰۳	معنی دار
۱۰	۰/۱۹	بی معنی	۳۵	۰/۳۷	بی معنی
۱۱	۰/۰۰	معنی دار	۳۶	۰/۰۵	بی معنی
۱۲	۰/۸۵	بی معنی	۳۷	۰/۱۳	بی معنی
۱۳	۰/۳۳	بی معنی	۳۸	۰/۵۰	بی معنی
۱۴	۰/۴۱	بی معنی	۳۹	۰/۰۳	معنی دار
۱۵	۰/۹۳	بی معنی	۴۰	۰/۷۶	بی معنی
۱۶	۰/۶۵	بی معنی	۴۱	۰/۵۹	بی معنی
۱۷	۰/۰۵	معنی دار	۴۲	۰/۴۵	بی معنی
۱۸	۰/۶۷	بی معنی	۴۳	۰/۱۹	بی معنی
۱۹	۰/۳۳	بی معنی	۴۴	۰/۱۵	بی معنی
۲۰	۰/۲۶	بی معنی	۴۵	۰/۵۰	بی معنی
۲۱	۰/۰۸	بی معنی	۴۶	۰/۰۰	معنی دار
۲۲	۰/۰۱۱	بی معنی	۴۷	۰/۷۱	بی معنی
۲۳	۰/۰۳	معنی دار	۴۸	۰/۲۹	بی معنی
۲۴	۰/۰۰	معنی دار	۴۹	۰/۱۰	بی معنی
۲۵	۰/۷۷	بی معنی	۵۰	۰/۹۹	بی معنی

## فهرست منابع و مآخذ

### منابع فارسی :

- ۱- ارباب سلیمانی ، عباس و نفر محمود (۱۳۷۸) ، اصول حسابداری جلد اول ، نشر شماره ۸۷ مرکز پژوهشات تخصصی حسابداری و حسابداری سازمان حسابداری
- ۲- دستور العمل حسابداری ، (۱۳۷۸) نشریه شماره ۹۵ مرکز پژوهشات تخصصی حسابداری و حسابداری سازمان حسابداری
- ۳- کمیته فنی سازمان حسابداری (۱۳۷۹) ، استانداردهای حسابداری ، نشریه شماره ۱۲۴ ، مرکز پژوهشات تخصصی حسابداری و حسابداری سازمان حسابداری
- ۴- اکبری ، فضل الله و علیمدد مصطفی (۱۳۷۹) ، بررسی تحلیلی یا استفاده از تجزیه تحلیل در حسابداری ، نشریه شماره ۱۴۳ ، مرکز پژوهشات تخصصی حسابداری حسابداری سازمان حسابداری
- ۵- ال وین آ.آنز و جمیزی لایک (۱۳۸۲) حسابداری ( رویکردی یکپارچه ) ، ترجم دکتر علی پاریسیان ، تهران انتشارات ترمه ( تاریخ انتشار به زبان اصلی ، ۲۰۰۰ )
- ۶- هومن ، حیدر علی (۱۳۷۸) ، راهنمای تدوین گزارش پژوهش ، رساله و پایان نام تحصیلی ( چاپ اول ) تهران ، نشر پارسا
- ۷- هومن ، حیدر علی ، (۱۳۸۰) تحلیل داده های چند متغیری در پژوهش رفتاری ، چاپ فرهنگ ۴۴۶-۳۶۷
- ۸- هومن ، حیدر علی (۱۳۸۱) تهیه و استاندارد ساختن مقیاس سنجش رضایت شغلی مرکز آموزش مدیریت دولتی ۱۶۴-۱۲۱

### منابع لاتین :

- Albrecht , W.S & M.B.Romney . ( 1986) . **Red flagging management raud : A validation** advances in Accounting pp 323 - 333
- Auditing standards Board .(1988), **Statement of Auditing standards O 53, the Auditors responsibility for the detection of errors and irregularitis**. New york . AICPA.

- 3-Auditing standards Board .(1997), **Statement of Auditing standard: NO 82 ,consideration of fraud in a financial statement** . New york AICPA .
- 4-Auditing standards Board.(2002 ), **Statement of Auditing standard: NO 99.Consideration of fraud in a financial statement** . Newyork AICPA
- 5-Barbara Ann Apostolou . (1988 ). **An investigation of Inerna auditor Judgment on the Importance of indicators of potentia financial Fraud : An analytical Herarchy process approach** unpublished Doctoral Sissertation . Louisiana state university .
- 6-Chen , Chia – Hui ( 2003) . **The frandulent financial reporting characteristics of the computer industry**.unpulished DBA dissertation,nova southastern university .
- 7-Danosp and Imhoff E.A . **Auditor review of financial forecasts an analysis of factors affecthing reasonableness Judgments** Accounting Review ( Jan 1982)
- 8-Elliott R.K. & J.J. Willingham.(1980).**Management fraud : Detection and deterrence** . petrocelli Books .
- 9-Elliott,r and p.Gacobson .(1986) . **Detecting and deterring financial statement fraud . corporate Accounting** . 4 . fall 34 – 39
- 10-Green,Bran patrick.(1991).**Identifying management irregularities through preliminary anlytical procedure**,unpublished Doctoral Dissertation . kent state university .
- 11-Gill , John waits , (1992) . **The effects of a redflags questionnaire and selected elrments of cognitive style on the audit planing task of assessing the probability of material management fraud**.unpublished Doctoral dissertation university of mississippi .
- 12-Jensen ,M. &W. Meckling (1976) .**Theory of the firm: Managerial behavior , agency osts and ownership structure** . Journal of financial Economics ,(October) : 305 –360
- 13-Kohler , ( 1983 ) **Kohlrs dictionary for Accounting** , Edited by W.W cooper and yujiljiri , third ed , Englewood cliff , N.J , prentice Hall inc
- 14-Kurt Maclean Fanning . (1994 ) . **The litigation problem , Analytical procedures for Detecting fraudulant Financial Statements** .unpublished Doctoral dissertation , university of kansas .
- 15-Leary , carlo Ann.(2003 ) . **An examination of Invironmental disclosure in lok reports** . unpublished doctorla Dissertation , VIRGINIA commonwealth university .

- 16-Loebbecke . J , M . Eining and J.Willingham . ( 1989 ) **Auditors Experience With material Irregularities : frequency , Nature and Detectability** . Auditing : A Journal of practice & Theory . fall : 1 – 28
- 17-National commission on fraudulent financial Reporting . (1987) . **Report of National commission on fraudulent financial Reporting**
- 18-Ohtta , yasuihiro(2003). **The forensic–Type phase: A game theoretic analysis of fraud detection in auditing** .unpublished Doctoral Dissertation, state university of Newyork at buffalo .
- 19- Onsim , **factor analysis of behariopal variables affecting bugetary slack** Accounting Review , ( July 1973)
- 20-pankag saksena .(1997). **An emprical analysis of the relationship between enviromental factors and management frand** . unpublished Doctoral Dissertation . Georgia state university.
- 21-Price Waterhouse&Coopers.(2002).**Financial fraud– understanding the root cause** , . Sameer taheer mustafa.( 2003) **Misappropiation of assets:atest of sas NO. 82 risk factors** . unpolished doctoral Dissertation .
- 22-puolillo j.G.p and estes , R.W , **An empirical analysis of career choices factors among Accountants , Attorneys , Engineers and physicians**,Accounting Review,(oct 1982) Troy, camelita Janene(2003) **The devil made me do it : Managerial and strategic factors to accounting fraud** . unpublished doctor Dissertation , university of naryland collage park .
- 24-Uzun , Hatice , ( 2003 ) . **Essay on corporate finance** . unpublished Doctoral Dissertation , Drexel university .
- 25-Walsin , frederick Roelker . ( 1994 ) . **An inquiry into the causes of audit failure**.unpublished Doctoral dissertation.Golden gate university .